



مراجع رسمی «فلسفه دین» را با «کلام جدید» خلط کرده‌اند

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی با اشاره به چالش‌های موجود پیرامون رشته فلسفه دین بیان کرد: درگیر یک چالش جدی به نام تعریف «فلسفه دین» در کشور هستیم...

عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی با اشاره به چالش‌های موجود پیرامون رشته فلسفه دین بیان کرد: درگیر یک چالش جدی به نام تعریف «فلسفه دین» در کشور هستیم و نمی‌دانیم دقیقاً می‌خواهیم چه کار کنیم و به نظر می‌رسد مراجع رسمی، «فلسفه دین» را با «کلام جدید» خلط کرده‌اند، در حالی که نگاه کلامی، جانبدارانه است و باید تفاوتی میان آنها قائل شویم.

به گزارش ایکن؛ نهمین همایش بین‌المللی «فلسفه دین معاصر» امروز، ۹ خردادماه با سخنرانی جمعی از پژوهشگران و اندیشوران به صورت مجازی برگزار شد. رسول رسولی پور، عضو هیئت علمی دانشگاه خوارزمی در این همایش به ارائه توضیحاتی در زمینه وضعیت فلسفه دین در کشور پرداخت که در ادامه متن آن را می‌خوانید:

شاید اولین فردی هستم که در کشور، مدرک ارزشیابی شده او فلسفه دین است. مدرک من در سال ۱۳۷۹ در وزارت علوم ارزشیابی شد و از همان سال در دانشگاه خوارزمی ابتدا در درس کلام جدید فعالیت داشتم و به مرور با ایجاد این رشته در دانشگاه‌های مختلف، افتخار تدریس در این رشته را داشتم. فلسفه دین گرایشی میان رشته‌ای است و در ایران بسیار نوپا است و طبیعی است که رشته‌های تازه تأسیس به ویژه بین رشته‌ای‌ها دارای چالش‌های فراوانی است که این چالش‌ها در ارائه سرفصل و پژوهش و منابع نمود دارد.

در سال ۱۳۷۲ که می‌خواستم برای تحقیق دوره دکتری، موضوعی انتخاب کنم، در موسسه حکمت و فلسفه ایران با آقای دکتر لگن‌هاوزن گفت‌وگو می‌کردم. ایشان به من وعده دادند کتابی در این انجمن با عنوان فلسفه دین از جان هیک چاپ خواهد شد. فکر می‌کنم اولین کتابی که در ایران با عنوان فلسفه دین ترجمه شد، همین کتاب آقای هیک است که از مفهوم خدا آغاز و بعد به براهین اثبات وجود خدا و ایمان و وحی و همچنین بحث کثرت‌گرایی دینی می‌پردازد. کتاب کم‌حجمی است، اما به ما سرنخ‌های موضوعات را ارائه می‌دهد. با مطالعه این کتاب، به موضوع «زبان دین» علاقه مند شدم.

موضوع واقع‌گرایی زبان دینی را به عنوان رساله دکتری انتخاب کردم و به ذهنم رسید این موضوع بدیع‌تر است. در سال ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۵ به آکسفورد رفتم و در این زمینه کار کردم که آیا باور دینی معلول اراده و تصمیم ما است یا خیر که با اراده‌گرا و ناراده‌گرا آشنا شدم و گزارش جامعی که آقای لویی پویمن داده است را دیدم که بحث تاریخی از دو اردوگاه اراده‌گرایان و ناراده‌گرایان دارد و نقدهایی را مطرح می‌کند. با زبان و باور دین درگیر شدم و در سال ۲۰۰۷ فرصت مطالعاتی گرفتم و سپس در مرکز فلسفه دین نوتردام مشغول به کار شدم و در آنجا با فلاسفه برجسته آشنا شدم و فرصت خوبی بود که با تجربه‌ای گرانبار وارد صحنه آموزشی کشور شوم و از آن تجربیات استفاده کنم.

کسانی که در شورای تحول علوم انسانی مسئول تهیه سرفصل‌های فلسفه دین شده‌اند، زحمات زیادی کشیده‌اند و من نیز در بخشی از موضوعات مانند مسئله شر یا معنویت مداخله داشته‌ام و مشارکت داشتم و این سرفصل‌ها تدوین شد، اما در جلساتی که ترتیب داده شد، نقدها و مشکلاتی که وجود دارد را مطرح کردم که معطوف به مسئله آموزش و در سطح تحصیلات تکمیلی بود و انتظار بیشتری به فلسفیدن وجود دارد.

در سرفصلی که تهیه شده، چهار هدف برای رشته فلسفه دین بیان شده است؛ هدف اول اسلامی‌سازی، بومی‌سازی، روزآمدی و کارآمدی در فلسفه دین است. هدف دوم آشنایی با مکاتب و آرای معارض در فلسفه دین و نقد آنها، سومین هدف، پاسخ به شبهات و چهارم، تربیت اندیشمندان اسلامی برای پاسخگویی به شبهات است. از امام‌راحل نیز جمله‌ای آمده که علم و آموزش جهت‌دار باشد و با توضیحاتی هم که در این جلسه با دوستان شورای تحول داشتم، این اهداف حمایت و تأیید شد و من بدفهمی نداشتم.

اما یکی از مشکلات ما این است که نگاه ما نسبت به موضوعات مباحث فلسفه دین، این است که باید به شبهات پاسخگویی کنیم. جالب بود که در بحث براهین اثبات وجود خدا، تذکر دادم که برهان صدیقین در محورهای بحث بود، اما قید بررسی شبهات را نیز داشت. مثلاً در عدل الهی و معضل شرور، یک فصلی به شبهات پرداخته شده است یا وقتی به علم و دین می‌رسد، پاسخ به شبهات را نیز دارد؛ یعنی رویکرد آنچه تحت عنوان فلسفه دین مطرح می‌شود و رسمی شده است، یک رویکرد کلامی یا دفاعی نسبت به آموزه‌های دینی است. حتی براهین ساده‌ای که از فلاسفه ما رسیده نیز در این سرفصل‌ها پاسخ به شبهات

آن مطرح شده است و این نشان می دهد ما بنا نداریم دیدگاه های خود را منعطف کنیم و بنابر این باشد که آموزه های خود را بازفهمی کنیم، بلکه یک نگاه انحصاری داریم که همه آنچه داریم، درست است.

یک معضل جدی ما که شخص بنده درگیر آن بودم، چالش جدی به نام تعریف فلسفه دین در کشور است. هنوز نمی دانیم دقیق می خواهیم چه کار کنیم و به نظر می رسد مراجع رسمی، «فلسفه دین» را با «کلام جدید» خلط کرده اند، در حالی که کلام دارای نگاه جانبدارانه است و باید تفاوتی میان این دو گرایش فائل شویم. حتی در جلسه مدیران گروه های فلسفه دین، دیدیم در استان آذربایجان گروه معارف اسلامی متکفل رشته فلسفه دین در دانشگاه شده و این نشان می دهد رویکرد و نگاه دقیقی نداریم و فکر می کنیم فلسفه دین همان معارف اسلامی یا کلام است.

اما نگاه ما به حقیقت چیست؟ ما در حال شخم زدن مزرعه ذهن خود هستیم، اما به نظر نمی رسد دنبال کاشتن چیزی باشیم و درکی از زمان و تجربه عشق و مرگ آگاهی نداریم و رویکردهای جدیدی که در فلسفه دین مطرح شده که فلسفه قاره ای است را مورد توجه قرار نداده ایم. حقیقت یک موضوع انتزاعی و موضوع ذهن است یا یک موضوع ذهنی است و با یک رویکرد پدیدارشناسانه حاصل می شود؟ یعنی باید با دیگری مواجه شویم و حتی باید با خدا نیز به عنوان یک دیگری مواجه شویم. آنچنان که فوکو تعریف می کند، می گوید فلسفه وظیفه اش متفاوت اندیشیدن است و نه مشروعیت بخشیدن به آموزه ها و انگاره های ما و اگر بخواهیم تفلسف کنیم، باید عقل را به کار بیندازیم و این به معنای پرسشگری است و اگر پرسشگری را حرمت می نهیم و دانشجو را به پرسشگری سوق می دهیم، به نفع ما است که به سنت خود تجدید حیات ببخشیم. مراد من این است که با طرح سوالات، آن مغالطات ذهنی که برخی فلاسفه داشته اند را پیدا کنیم و تلاش کنیم که با تحقیقاتی که داریم، تکمیل شود.

نکنه دیگر اینکه، یکی از اتهاماتی که به اساتید فلسفه دین در ایران زده می شود، این است که این اساتید خیلی به دین توجه ندارند، اما این طور نیست و اساتید ما دغدغه دین دارند و در عین اینکه نقد را دوست دارند، اما تلاش آنها بر این است که آنچه که داریم، تکامل دهند و این تلاش در دوره جدید نیز پُررنگ تر شده است.